

می خواهم بنویسم. شاید بخاطر این باشد که می ترسم. ترس از مرگ، جهل یا چیزی دیگر. کسانی آمدند و نوشتند و رفتند، من نیز رفتی هستم، پس می نویسم. ۹ اردیبهشت ۱۳۸۵ توکیو
به یاد می آورم که سال ۱۳۷۲ با دکتر شهشهانی (سیاوش) سمینار ریاضی داشتم. برای کسب نمره این درس من چند صفحه ای در مورد ساخت اعداد حقیقی با دنباله های اعداد گویا نوشتم. حالا می فهمم که بخش بزرگی از مشکلات در ریاضی ناشی از همین ساده اندیشی در مورد اعداد است. از هیچ نساخته ریاضی ساختیم. ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ توکیو

بعد از خواندن منطق ریاضی به هندسه خمینه ها علاقه مند شدم. آخرین چیزی که در منطق ریاضی یاد گرفتم، ساخت اعداد مختلط از طریق اولتراپراکت بستار جبری میدانهای متناهی بود. این را در یک سمینار دکتر عدالت یاد گرفتم. شاید به همین خاطر بود که در درس هندسه خمینه ها شروع به مختلط سازی مفاهیم جزوه دکتر شهشهانی کردم. ۱۹ تیر ۱۳۸۵ توکیو

برای هر ارائه هر سمیناری بایستی آن را روی کاغذ تروتمیز بنویسی، حتی اگر همه را حضور ذهن داری.